

بعد از آن بازواج مطهره عایشه و هر که با اوست بعد از آن  
 همشده عقیل آبد و زیارت کند و برود را و وقوف طویل کند  
 و در دعائیز اطالت نماید که این موقف شریف نبویست صلی الله  
 علیه و سلم و دعائز آن مستجاب است بعد از آن بزینار  
 سیدنا ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و سلم و هر که با اوست  
 از اخوات و عثمان بن مظعون که اول صحابی است که درین  
 مقبره شریفه مدفون شد و دیگر اصحاب که در آنجا خفته اند  
 رضی الله عنهم اجمعین و محصل کلام بعضی از علما آنست که  
 ابتدا از قبۀ عباس کند رضی الله تعالی عنه و عمن معه بعد  
 از آن بپوش پیش آید زیرا که هر کرا ادنی جلالت شان بود بی  
 سلام از پیش وی گذشتن و جای دیگر رفتن از عالم مروت و  
 مناسبت و حفظ طریقه ادب بغایت در راست قال بعضهم \*  
 و هو مقصد صالح لا یضرمه عدم رعایة الا فضل والاشرف \*  
 و از جمعی از علمای اهل مک بنه چنین رسیده است که چون  
 ایشان قصد زیارت بقیع میکردند اول قصد موقف شریف  
 نبوی ملی واقفه الصلوة والتحیة میکردند و برای کافۀ اهل بقیع  
 دعا کرده و سوال مطالب خود از حضرت صمدیت نموده بر  
 میگشتند بی آنکه بر خصوص قبری بروند و بایستند و مستند  
 ایشان در اختیار این طریق فعل آن حضرت است صلی الله  
 علیه و آله و سلم که ماثور است و اگر این معنی به ثبوت رسیده  
 و قصد ایشان مجرد اتباع باشد نیک است و بعضی از علما

گفته اند که اگر این فعل از آن حضرت مروی شد باشد  
هر چند بصحت هم نرسد و ایشان را درین فعل قصد اتباع بود  
تمام است ولیکن شک نیست که اگر بعد از ادراک سعادت  
وقوف بهوقف سید کائنات و شرف متابعت آن حضرت علیه  
افضل الصلوات و اکمل التحیات قصد زیارت مقربان آن  
درگاه و منتسبان آن جناب و استغاضه خیرات و برکات از  
ایشان نماید موجب مزید خیر و زیادت ثواب خواهد بود  
و السلام ❀ تکمیل فی زیارة اهل البیت ❀ در فصل الخطاب  
از امام جعفر صادق سلام الله علیه و علی سائر اهل بیت النبوة  
می آرد فرمود ❀ من زار واحدا من الائمة کان کمن زار  
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و قبیل لموسی الرضا رضی الله  
عنه علمنی قولا بلیغا کما ملا اذا زرت واحدا منکم فقال اذا  
صرت الی الباب فقف و اشهد الشهادتین و انت علی غسل و اذا  
دخلت و رابت القبر فقف و قل الله اکبر ثلاثین مرة ثم امش  
قلیلا و علیک السکینة و الوقار و قارب بین خطاؤک ثم قف و  
کبر الله ثلاثین مرة ثم ادن من القبر و کبر الله اربعین مرة تمام  
مایه مرة ثم قل السلام علیکم یا اهل بیت الرسالة و مختلف  
الملائکة و مهبط الوحی و خزان العلم و منتهی الحکم و معدن  
الرحمة و اصول الکرم و قادة الامم و عناصر الابرار و دعائم  
الاخيار و ابواب الايمان و امناء الرحمن و سلالة خاتم النبیین  
و معتزة صفوة المرسلین و رحمة الله و برکاته السلام علی ائمة

الهدى ومصايح الدجى واعلام التقي وذوى العجى والنهى  
 ورحمة الله وبركاته السلام على محال رحمة الله ومساكن  
 بركة الله ومعادن حكمة الله وحفظه سرا لله وحمله كتاب الله  
 وورثة رسول الله ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة الى  
 حكم الله والاولاء على مرضاة الله والمظهرين لامر الله  
 ونهيه والمخلصين فى توحيد الله ورحمة الله وبركاته انى مستشفع  
 بكم ومقدمكم امام طلبى وارادتى ومسئلتى وحاجتى اشهد الله  
 انى مؤمن بمرکم وعلائتکم وانى ابرء الى الله تعالى من عد ومحمد  
 وآل محمد من الجن والانس صلى الله على محمد وآله الطيبين  
 الطاهرين وسلم تسليما كثيرا كثيرا

✽ باب سيزدهم ✽

✽ در بيان فضل جبل احد كه محب و محبوب سيد ✽

✽ الانبياء امت ومهبط ومنزل سيد الشهداء صلى الله ✽

✽ عليه وآله وسلم ورضى الله عنه ✽

تفصيل احوال غزوه احد باسايروغزوات در كتب سير وتواريخ  
 من كوراست وانچه درين مقام ذكر آن مناسب است بيان فضل  
 احد وقبور شهد است كه درين غزوه و بشرف شهادت عظمي  
 وسيد و انك در صحیحین آمده كه آن حضرت اشارت بجبل احد  
 كرد وفرمود ✽ هذا جبل يحبنا ونحبه ✽ اين كوهي است كه  
 دوست دارد ما را و دوست داريم ما را و صل و رايين كلمه از  
 آن حضرت در اوقات متعدده ثبوت يافته چنانچه از تعبد

روایات بخاری ظاهر گردد در روایتی از انس رضی الله عنه  
آمد که روزی نظر آن سرور بر جبل احد افتاد تکبیر بر آورد  
و فرمود \* هذا جبل يحبنا ونحبه طی باب من ابواب الجنة و  
هذا جبل يبغضنا ونبغضه طی باب من ابواب النار \* و غیر  
بفتح عین مهمله کوهی است در مقابل احد در طریق مکه که  
حبیب خدا او را دشمن داشته علما گفته اند ازین جا معلوم  
گردد که حب و بغض و سعادت و شقاوت و جمادات نیز  
پیدا است امام نووی گوید علیه الرحمة که محبت من کورد و  
حدیث از جانبین یعنی هم از جانب آن حضرت نسبت بجبل  
احد و هم از طرف جبل من کور نسبت بآن سرور صلی الله علیه  
و سلم \* معمول است بر حقیقت و لهذا اوی از جبل جنت آمد  
\* لان المرء مع من احبه \* لا جرم این جبل نیز چون \* حب  
سرور انبیا شد که سید اهل جنت است جای وی نیز در جوار  
آن سرور شد بر در بهشت و ابداع عشق و محبت در جبال بر  
حکم وضع تسبیح است در جمادات که \* ان من شیی الا یسبح  
بحمک \* چون جبال و سایر جمادات محل ذکر و تسبیح مولی  
جل و علا باشند اگر بمحبت حبیب وی صلی الله علیه و آله  
و سلم نیز موصوف باشند چه مشکل \* بیت \* سرحب  
ازلی در همه اشیا جار است \* و رنه بر کل نرد بلبل مسکین  
فریاد \* و محققین علما بر آنند که آن حضرت میعوث است  
بکافه مخلوقات و سایر موجودات نه مخصوص جن و انس و

ملائکه بلکه وی رسول کل عالم است حتی نباتات و جمادات  
 و خطاب آن حضرت مر این جبل رفیع المحل را که فرمود ✽  
 اسکن یا احد فانما علیک نبی او شهید ✽ اول دلیل است بر  
 وجود علم و عقل در وی که بد آن فهم خطاب کند و عشق و محبت  
 از لوازم فهم و عقل است و سلام حجر پیش از زمان نبوت بر وی  
 علیه السلام و امثال آن و نالیدن ستون مسجد شریف از  
 مفارقت آن حضرت چنانچه سبق ذکر یافت از دلایل واضحه  
 این مطلوب است و همچنانکه اهل مدینه در شان آن حضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم در قسم آمدند مخلص و منافق بقاع  
 و اماکن مدینه نیز بهمان تیره قسمت پذیر شدند و لهذا  
 جبل غیر در جانب منافقان از اهل مسجد ضار افتاد و در  
 آخرت نیز با ایشان در دوزخ باشد و در روز عزیمت غزوه اهل  
 ابن ابی و جمعی کثیر از منافقان با آن حضرت بر آمدند و  
 لیکن تا جبل احد که مقام صدیقان و حبیبان است نتوانستند  
 رفت و هم از قریب مدینه برگشته در مقر شقاوت رجوع کردند  
 و تاویل محبت و عدل اوت به محبت اهل و سکنه آن نزد ارباب  
 محبت دور است و بعضی گفته اند که محبت اینجا کنایت است  
 از مسرتی که آن سرور در ادراک حالت قدوم سفر به شاهد و این  
 جبل که اعظم و ارفع آثار و علامات این بلد و طیبه است دست  
 میداد روی بلسان حال از قرب مدینه مطهره و اهل آن خبر  
 بشارت اثر میداد و این کار محبان است و الا آن مشاهده اثر

صحبت و عدالت آن سرور درین درجیل از نورانیت و ظلمانیت  
 و فرج و سرور و خزن و کمود از ان قبیل است که بر هیچ ذی  
 بصر مخفی و مستتر نیست در هر وقت و هر حالت که بجانب احد  
 نظر کنند نور بی و سروری در روی مشاهد افتد که انکار آن در  
 حکم انکار حس باشد و درجیل دیگر یعنی درجیل غیر که بجانب است  
 غیر دارد بر عکس آن یابند و اشتقاق احد از توحید است  
 که انفراد و انقطاع او از جمیع دیگر ظاهر و عیان است کوه پاره  
 ایست مقابل مدینه منوره در جانب شمال بر مسافت دو میل  
 یا زیاده افتاده است که بهیچ کوهی دیگر وصلت ندارد  
 با آنکه چون وی محل نصرت اهل ایمان و توحید آمده  
 او را بنامی که مبنی ازین معنی است خوانند و کل نام  
 تمام فاضلتر بود از آنکه مشتق است از احدیت که صفت  
 لازمه ذات احد مطلق است بخلاف غیر که نام حمار وحشی  
 است که بمنمت اخلاق و دنائت اوصاف مشهور است و در  
 روایات آمده که احد جبلی است از جبال جنت چون بگردد  
 بروی بخورید از میوه درختان او اگر آن نباشد پس از گیاه  
 صحرا یا او از زینب بنت نبط که در تحت انس بن مالک بود  
 روایت کرده اند که وی با ولاد خود میگفت که بروید بزیارت  
 احد و بیارید مرا از نباتات او و گیاههای او و احد بیث آمده  
 که \* احد طی رکن من ارکان الجنة و غیر طی رکن من ارکان  
 النار \* و طبرانی از روایت عمرو بن عوف می آید که آنحضرت

فرموده \* از بعه اجبال من اجبال الجنة و اربعة انهار من  
 انها و الجنة و اربعة ملاحم من ملاحم الجنة قيل فما الا جبال  
 قال احد یحیبا و نحبیه من اجبال الجنة و ورقان جبل من  
 اجبال الجنة و الطور جبل من اجبال الجنة و لبنان جبل من  
 اجبال الجنة و الا نهار الاربعة النيل و الفرات و سیحان و  
 جیحان و الملاحم بدر واحد و الخندق و الحنین \* و ابن شیبہ  
 اینحل یثرا در مختصر بر روایت ابوهریره آورده و از ذکر  
 ملاحم سکوت کرده و در بعضی روایات آمده که تاسیس اساس  
 بیت الله الحرام زاد الله تعظیما و تشریفا از شش جبل است  
 ابو قبیس و طور و قدس و ورقان و رضوی و احد و ابن شیبہ از  
 روایت انس بن مالک آورده که آن حضرت فرمود صلی الله  
 علیه و سلم چون حضرت رب العزت جل جلاله بر جبل طور  
 تجلی فرمود شش جبل از سطوت و عظمت حضرت باری عز  
 اسمه پرید سه ناره از ان بن یمنه مطهره افتاد و سه بکه معظمه  
 انکه بن یمنه افتاد احد و ورقان و رضوی است و بکه حرا و ثبیر  
 و ثور و ورقان جبلی است در طریق مکه بر چهار برید از من یمنه  
 چنانچه در ذکر مساجد ماثوره اشارتی بدان رفت و رضوی به نبیع  
 است که نام موضعی است بیهمین مسافت مذکور و و ثبیر نام  
 جبل مناست و ابن شیبہ از روایت جابر بن عبد الله می آورد  
 که چون موسی و هارون علیهما السلام بقصد حج با عمرو بکه  
 معظمه آمدند در وقت رجوع بن یمنه مطهره رسیدند نزول

بجبل احد فرموده بودند که نگاهدارید پیام اجل هارون نبی در  
 رسید و هم بر جبل احد دفن یافت و الا آن فبر او بر بالای این  
 جبل رفیع الشان مشهور است چنانچه در بیان سکان این بلده  
 کرامت نشان گفته آمد و بر بالای جبل احد مسجدی است  
 که بعضی از فقرا در قرون لاحق بنا نمودند و تعیین جانب صعود  
 و رانبیا برین جبل تحقیق نیافته است و در نماز او مسجد  
 فتح که در پایان جبل است اثری وارد شد و لیکن غاری درین  
 جبل که اختفای آنسرو در روی میگویند و موضعی دیگر که  
 در صخره نشانی مقلد ارسراد می است و گویند که آن حضرت  
 بر صخره جلوس فرموده و سر مبارک خود را در آنجا آورده  
 نزد علما با ثاری که اعتماد را شاید ثبوت نیافته و در خبر  
 است که آن حضرت بر مععب بن عمیر که از شهدای احد است  
 باستاد و این آیت خواند \* من الماثر منین و جمال صد قواما  
 عاهد و الله علیه الایة اللهم ان عبدک و نبیک یشهد ان هولاء  
 شهداء \* فرمود که بیایید بر شهدای احد و سلام کنید بر  
 ایشان تا آسمان و زمین برپاست هر که با ایشان سلام کند و  
 سلام روی بکنند بعد از آن جای دیگر بر سر شهدای دیگر  
 باستاد و فرمود اینها اصحاب من اند که روز قیامت برایشان  
 گواهی دهم ابوبکر صدیق گفت یا رسول الله ما نه اصحاب  
 تو ایم فرمود بلی شما اصحاب منید و لیکن ندانم که شما بعد  
 از من چه کنید ایشان خود بسلامت از دنیا رفتند و رویت



که چون آن حضرت بر عم خود حمزه بن عبد المطلب با یسار دید که گوش و بینی سید الشهدا را برید و اند و شکم را پاره کرده و جگر را برده فرمود اگر نه خوف آن باشد که صفیه محزون گردد و بعد از من سنت شود بگن او م تا وی در بطون سباع و حواصل طیور رود و فرمود هرگز مرا مصیبتی مثل این نخواهد رسید و هرگز در جای قصه ناک ترا زوی نخواهم ایستاد و همد رین اثنا جبرئیل امین در رسید و وحی آورد

✽ مکتوب فی اهل السموات السبع حمزة بن عبد المطلب اسد الله و اسد رسوله ✽ بعد از آن فرمود تا در چادر می پوشیدند و نماز گن آورد و هفتاد تکبیر گفت و در فن کرد و در نماز گن آمدن آن حضرت بر شهید ای احد اختلافی مشهور است میان علما و ابوداؤد و حاکم در صحیح خود می آرند که آن حضرت فرمود چون روز احد به برادران شما آنچه رسیدنی بود رسید حق سبحانه تعالی ارواح ایشان را در جوفهای طیور خضر در آورد تا بر آنها جنت ورود مینمایند و از میوههای بهشت میخورند و در روز قنار دیل ذهب که در سایه عرش معلق اند می امایند گفتند یا رب العزت که باشد که خبر ما را به برادران ما که در دنیا اند برساند تا بر احوال ما اطلاع یابند و از جهاد تقاعد نه نمایند حق سبحانه فرمود من برسانم پس این آیت نازل شد ✽ ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون الآية ✽ در خبر است که

آنحضرت بر سر هر سال بر قبور شهدای احد می آمد و میفرمود  
❀ سلام علیکم بما عبرتم فنعیم عقبی الدار ❀ از ابن عمر رضی الله  
عنهما منقول است که گفت هر که بر بن شهید ابگن رود و بر  
ایشان سلام فرستد ایشان تا روز قیامت بروی سلام فرستند  
و در شنیدن رد سلام از قبر سید الشهدا و شهیدای دیگر که در  
احد اند از سلف آثار و اخبار بسیار آمد و است و عدد شهدای  
احد بقول صحیح هفتاد است و در تاریخ سهمنودی عد آنها  
کرده و در تعیین مواضع قبور آنها بسیار کوشید و الا آن در  
غربی مشهد سید الشهدا احدی کشید و اند که در آن قبور  
شهدا است ولیکن صورت قبور را صلا نساخته اند ❀ رضوان  
الله علیهم اجمعین ❀ مرویست که آن حضرت صلی الله علیه  
و آله وسلم از شهدای احد در همه کس راد رثوب و احد  
جمع می کرد و می فرمود هر کد ام که علم او بقوران بیشتر  
است او راد راحل پیشتر دارند و در اخبار صحیح آمده  
است که بعد از مدت چهار و شش سال کشف قبور بعضی از  
شهدای احد کردند همچنان تروتازه مثل غنچه های گل با  
گفتها بر آمدند گوئی که دیروز دفن شان کرد و اند و  
بعضی از ایشان را دیدند که دست بر جراحت نهاد و مانند  
اند و چون دست از جراحت بر میگرفتند خون تازه از آن  
جراحت بیرون می آمد و چون بر میداشتند هم بر موضع  
جراحت میرمید و وفا یعنی که موجب کشف این قبور شریفه

میشد یکی آن بود که قرابت یکی با اجنبی مد فون شد بود بصریح اجازت که یافته بودند از آن حضرت یاد لالت حال یا قیاس و اجتهاد بر آورد؛ جدا رفتن میکردند و بعضی بجهت میلی که از بعضی اورد به رسیدن بود مکشوف میگشتند و اکثر بجهت آنکه معاویه بن ابی سفیان در زمان امارت خود عینی از خود استنباط کرد؛ از طریق این مشهد مقدس روان کرد و اکثر قبور شهدا بجهت آن مکشوف شد و شهدا را از قبور بند و می آوردند و امام تاج الدین سبکی رحمة الله علیه در شفاء السبقام می آورد که چون معاویه استنباط عین کرد امر کرد بنقل شهدا از مواضع قبور ایشان مساحی بقدم میدان الشهدای همزه بن عبد المطلب رسید و خون از روی سایل شد آورد؛ اند که عامل او در روز حفر عین ند آمد و اد که عین امیرالمومنین می آید هر که را مورد؛ باشد بیاید و از آن جا نقل کند و در جای دیگر بود راه اعلم و بعضی از شهدای احد در غیر احد نیز مد فون گشتند بحکم آنکه آن حضرت فرمود هر کس هر جا که هلاک شود همانجا مد فون کنند و سنان بن مالک نیز از آنهاست که هلاک او داخل مدینه مطهره شد درین موضع که الآن مشهد اوست رضی الله عنهم اجمعین \*

### \* باب چهاردهم \*

\* در فضایل زیارت حضرت سید المرسلین که مقصد \*

\* اقصای ارباب دین و مطلب اعلائی اصحاب \*

✽ یقین است صلی الله علیه و آله وسلم واثبات ✽

✽ حیات انبیا صلوات الله علیهم اجمعین ✽

بدان ارشد که الله واسعد که احادیث در شان زیارت حضرت رفیع النشان رسول الانس والجان علیه افضل صلوات الرحمن بسیار آمده بعضی بصریح لفظ زیارت قبر شریف و مرقد منیف و بعضی بالفاظ دیگر بوحی که متضمن ثبوت این مدعا و موکد حصول این مطلب تواند شد اما از آنجه بصریح لفظ زیارت وقوع یافته این احادیث است که از نقل ثقات بطریق متعدد و بعضی از آن بدو درجه صحت رسیده و اکثر بهرتبه حسن آمده ثبوت یافته ✽ حدیث اول ✽ من زار قبری و جبت له شفاعتی ✽ فرمود کسیکی زیارت قبر شریف من کند واجب و لازم گردد شفاعت من مرا و را و وجه تخصیص زوار قبر شریف باین فضیلت با عموم امید و آری این نعمت مرجمیع مومنان است را آن باشد که مراد شفاعتی خاص بود که موجب حصول مرتبه مخصوص گردد و غیر ایشان را وصول بدان درجه با وجود زیادت اعمال و کثرت فضایل میسر نباشد همچنانکه اختصاص و امتیاز بعضی اصحاب معالی نصاب آن حضرت صلی الله علیه و آله و اصحاب به وسلم از سایر امت که در تمام عمر جز نیک نظر بجمال با کمال سرور انبیا مشرف نشد باشند پرتو تلخیصی بر ثبوت این مدعا می اندازد یا آنکه این کلام بشارت انجام اخبار و روای بود بوجوب شفاعت و وقوع آن

حتماً در باب زائر قبر منیف بمقتضای وعده آن سید ارباب  
 کرم صلی الله علیه وآله وسلم و در دیگران بر مرتبه جواز و  
 امکان باقی و مقنصر باشد و یا آنکه بشارت بود بهوت زوار بر  
 دین اسلام به برکت حضرت سید انام علیه افضل الصلوة  
 والسلام که استحقاق شفاعت متفرع بر آنست ✽ حدیث ثانی  
 من زار قبري حلت له شفاعتي ✽ حدیث ثالث ✽ من جاءني  
 زائراً لا تعلمه حاجة الا زیارتی کان حقاً علی ان اکون له شفیعاً  
 یوم القيمة ✽ و این هر دو حدیث در بیان معنی و تعیین مراد  
 در حکم حدیث اول اند با افاده ثالث اشراط صدق و اخلاص  
 و آنکه مدار صحت و اعتبار جمیع اعمال و افعال است ✽ حدیث  
 رابع ✽ من حج فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی ✽  
 میفرماید زیارت قبر من بعد از وفات حکم صحبت من دارد  
 در همین حیات مبنای این حدیث بر ثبوت و صحت حیات حضرت  
 سید کائنات صلی الله علیه وآله وسلم است چنانچه تحقیق این  
 مسئله بتفصیل در آخر باب مبین گردد و مضمون کرامت  
 مشحون این حدیث مثبت و موید آن اشارت است که  
 در حدیث اول بد آن تلمیحی کرده شد یعنی اختصاص  
 و امتیاز زوار قبر کرامت نثار حضرت رسول مختار بفضیلت  
 و سعادت خاص که دیگران را نبود چنانچه تفرد و تمیز اصحاب  
 کرامت مآب آن حضرت در زیارات فضل و کثرت ثواب ولیکن  
 از تشبیه لازم نیاید که زائر احکم صحابی بود در جمیع وجوه

فضل وتمامه احکام همچنانکه استماع حدیث در منام از زبان  
 حضرت سید انام مثبت شرایع و احکام نگردد با وجود صحت  
 رویت و حقیقت آن \* بحکم من رانی فی المنام فقد رأی الحق  
 \* حدیث خامس \* من حج البیت ولم یزرنی فقد جفانی \*  
 وعید است بر عدم ادراک سعادت زیارت آنحضرت صلی الله  
 علیه وآله وسلم واحتراز از این فضیلت بعد از تحصیل نعمت  
 حج از جهت حرص آنسرو بر حصول ثواب مراست را و کمال  
 شفقت او بر ایشان صلی الله علیه وآله وسلم \* حدیث سادس \*  
 من زرنی الی المدینه کنت له شفیعاً و شهیداً \* شفاعت چنانکه  
 گفته اند نسبت باهل معصیت بود و شهادت برای اهل طاعت  
 و در روایتی آمده \* من زار قبری کنت له شفیعاً و شهیداً \*  
 حدیث سابع \* من زرنی متعمداً کان فی جوارحی یوم القیمة  
 و من مات فی احد الحرمین بعثه الله من الامنین یوم القیمة \*  
 میفرماید هر که زیارت من کند و آنرا مقصود اصلی داند روز  
 قیامت همسایه من باشد و در سایه حمایت من بود و هر که در  
 حرم مکه یا مدینه پیروز از عذاب روز قیامت در امان باشد \*  
 حدیث ثامن \* قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم من حج  
 حجة الاسلام و زار قبری و غزی غزوة و صلی فی بیت المقدس لم  
 یسال الله عزوجل فیما افترض علیه \* درین حدیث فضیلت  
 حج اسلام و زیارت قبر حضرت سید انام و جهاد و غزای با کفار  
 و گنارودن نماز در بیت المقدس که مقام ابرار و اختیار است ذکر

یافته و احتمال دارد که این جزای خاص که ناپرسیدن است  
 از فرایض مخصوص با اجتماع این امور باشد یا هر یکی از  
 اینها نیز مترتب گردد و الله اعلم ✽ حدیث ناسع ✽ من حج  
 الی مکه ثم قصد فی مسجدی کتبت له حجتان مبرورتان ✽  
 قصد زیارت آن حضرت و مشرف شدن بمسجد شریف و  
 صلی الله علیه وسلم بر ابرحج مبرور و مقبول است بلکه سبب  
 قبولیت حجی است که گذارد است و جزای حج مبرور جنت  
 است و جو با چنانکه در احادیث آمده و حج مبرور آن بود که  
 در روی ارتکاب محرمات و مناهی نکنند و مدخلیت سمعه و ریا  
 نبود و بحقیقت آنکه در درگاه خداوند قبول افتد و ذلک بفضل  
 تعالی ✽ حدیث عاشر ✽ من زارنی میتا کا نمازانی حیاء  
 من زار قبری و جبت له شفاعتی یوم القیامة و ما من احد من  
 امنی له سعة ثم لم یزرنی فلیس له عذر ✽ معنی این حدیث  
 شامل منطوق حدیث اول و رابع و خلاصه مضمون حدیث  
 خامس است چنانکه ✽ حدیث حادی عشر ✽ که از حضرت  
 امیرالمومنین علی رضی الله عنه و اکرم الله وجهه روایت کرده  
 اند ✽ من زار قبری بعد موتی فکا نمازانی فی حیاتی و من لم  
 یزر قبری فقد جفانی ✽ موافق مضمون حدیث رابع و خامس  
 است ✽ حدیث ثانی عشر ✽ نیز از حضرت امیرالمومنین است  
 ✽ من سال لرسول الله صلی الله علیه وسلم الدرجه والوسیلة  
 حلت له شفاعته یوم القیامة و من زار قبر رسول الله صلی الله

علیه وسلم کان فی جوار رسول الله صلی الله علیه وسلم ✽ منودی  
 معنی جزو اول حدیث سابع است باز یادت افاده آنکه طاب  
 درجه و وسیله مر آن حضرت را باین که گویند ✽ اللهم آت  
 محمد الوسیلة والذریعة الرفیعة ✽ موجب حلول شفاعت و نزول  
 کرامت است و هر یکی ازین احادیث را طرق متعدده است  
 اگر آنها را جدا جدا ذکر کند عددا حدیث بیشتر از آن آید  
 که من کورش چنانچه سید علیه الرحمة کرده است ✽

✽ فصل ✽ از جمله احادیث که مثبت حیات انبیاست  
 صلوات الله علیهم بعد از عموم نصوص قرآنی در حیات زمره  
 شهدار و مقاتلین فی سبیل الله این حدیث است که ابو اعلی  
 بنقل ثقات از روایت انس بن مالک می آرد ✽ قال رسول الله  
 صلی الله علیه وسلم الانبیاء احياء فی قبورهم یصلون ✽ و از  
 آنچه بخصوص اثبات حیات سید کاینات کند علیه افضل الصلوات  
 و اکمل التحیات و التسلیمات این حدیث است که مشهور و  
 معروف است ✽ ما من احد یسلم علی الارذ الله طی روحی حتی  
 ارد علیه السلام ✽ ولیکن علما اختلاف کرده اند که این فضیلت  
 عظمی عام است مر هر کسیرا که بشرف تسلیم بر سید کائنات علیه  
 افضل التسلیمات مشرف است خواه از قبرش یفا بود یا غایب  
 از آن حضرت کبریا در هر مکان که باشد یا آنکه مخصوص است  
 بزوار قبرش یفا و حضار آن مکان منیف بعضی علما بر آن رفته اند  
 که این فضیلت مخصوص زائران و نصیب حاضران است بقربند



قیدی که در روایت احمد بن حنبل رحمه الله علیه آمده است  
 که \* ما من احد یسلم علی من قبل قبري \* و تحقیق کلام بر وجهیکه  
 بعضی فضلاء متأخرین نموده اند آنست که فرستادن سلام  
 بر سید انام صلی الله علیه وسلم بر دو نوع است یکی آنکه  
 قصد بوی دعا و سوال از جناب ذوالجلال عزاسمه است  
 بنزول سلام و ورود رحمت بر حضرت رسالت خواه بلفظ  
 خطاب یا بصیغه غیب خواه قایل آن حاضر آن درگاه بود یا  
 غائب اگر چه چنانکه گویند السلام علی محمد یا گویند السلام  
 علیک یا رسول الله و این نوعی است که بعضی علما آنرا  
 مخصوص جناب رسالت داشته اند و منع اطلاق آن کرده بر  
 غیر الابطال و تبعیت و نوع دیگر آنکه مقصود از وی تحیت  
 و اکرام است که زایر بعد از وصول بقبر شریف گوید همچنانکه  
 داخل مجلس بر اهل مجلس سلام گوید و این کیفیت خصوصیت  
 باین حضرات عظامی ندارد بلکه سلام بحکم شریعت مستدعی و  
 مستوجب جواب و رد سلام است بر مسلم خواه بی واسطه مشافهه  
 گوید یا بواسطه رسول و نایب فرستادن و شارع علیه الصلوة والسلام  
 بحق و اولی است بر عایت ادای این واجب و اگر این حکم یعنی  
 رد سلام در نوع اول نیز ثابت شود دور نیست و امتیاز نوع  
 ثانی به ثبوت شرف قرب و تشریف خطاب بود و اما آنچه در  
 حدیث دیگر آمده که بحق سبحانه تعالی بحیب خود صلی الله  
 علیه و آله وسلم فرمود هر که از امت تو یکبار بر تو سلام فرستد

من دة بار بروي سلام فرستم ظاهراً نیست که آن مخلص  
 بنوع اول باشد کذا قالوا ونسائی باسناد صحیح از ابن مسعود  
 رضی الله عنه می آرد که آن حضرت فرمود صلی الله علیه وآله  
 وسلم حق سبحانه فرشتگان را خلق فرمود که سیاح اند در  
 زمین و سلام امت مرا بمن میرسانند و این در حق غایب است  
 و اما آنکه حاضر است در روی حدیث آمده یکی دلالت دارد  
 که آن حضرت سماع سلام وی میکند و بنفس نفیس خود  
 متکفل رد سلام وی میشود چنانچه مدلول حدیث سابق  
 است و نیز از ابن عمر رضی الله عنهما \* من صلی علی فی قبری ردت  
 علیه و من صلی علی فی مکان آخر بلغونیه \* و حدیث دیگر آنکه  
 دال است که درین حالت نیز ملکی موکل است که ابلاغ سلام  
 بر آن سرور میکند و متکفل رد وی میشود روایت است از  
 ابو هریره \* ما من عبد یسلم علی عند قبري الا وکل الله یها ملکا  
 یبلغنی و کفی اجر آخرته و دنیاة و کنت له شهید او شفیعا  
 یوم القیمة و وجه توفیق و الله اعلم آن تواند بود که جریان  
 سنت الهی عز اسمه بر آن بود که ملکی در حضرت رسالت موکل  
 شد باشد که تبلیغ تسلیمات بندگان کند چنانچه در بارگاه  
 ملوک و سلاطین معهود است و با وجود آن بعضی بندگان  
 مخلص و خاصگان مقرب بلکه تمامه شکسته دلان را بنفس  
 نفیس خود نیز بر سلام و جواب کلام تشریف و تکریم میفرموده  
 باشند \* فیما حبل السعادة من فزین لک ذلک فضل الله یوتیه من

یشاء \* مصرع \* همه خراهند ترا تا تو کرامت خواهی \*  
 و عبد الحق که از اکابر ائمه حدیث است در احکام صغری  
 با سند صحیح از ابن عباس رضی الله عنهما می آورد که آن  
 حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرموده هیچ احدی بقبر برادر  
 مومن خود که او را در دنیا می شناخت ننگد و بروی سلام  
 نکند مگر آنکه آن برادر روی او را بشناسد و در سلام وی بکند  
 و ابن عبد البر این حدیث را روایت کرده و تصحیح نموده  
 چنانچه ابن تیمیہ آنرا نقل کرده است با اندک تفاوتی در  
 لفظ و نیز امام عبد الحق در کتاب عاقبت از حدیث عایشه  
 رضی الله عنها روایت میکند \* ما من رجل یزور قبرایه  
 فیجلس عنده الا استانس به حتی یقوم \* و ابن ابی الدینار  
 از ابو هریره روایت آورده که اگر بقبر اشنائی بگردد بشناسد  
 و اگر سلام کند و سلام کند البته سهمنودی گوید که احادیث  
 درین معنی بسیار است و میگوید که هرگاه این معنی در احاد  
 امت و عموم مومنین متحقق باشد فکیف لسید المرسلین و صفوة  
 المتقین صلی الله علیه و آله وسلم اجمعین با زری در توثیق  
 عربی الایمان از سلیمان بن سعید می آورد که گفت آن حضرت  
 را صلی الله علیه و آله وسلم در خواب دیدم پس پرسیدم یا  
 رسول الله اینها که بزیارت تو می آیند و بر تو سلام میکنند سلام  
 ایشان می شنوی فرمود نعم \* وارد علیهم \* گفت اری می شنوی  
 و جواب سلام ایشان نیز میگویم و ابن نجار از ابراهیم بن

بشارت روایت میکند که گفته است در سالی از سالها حج کردم  
 و بزبانت سید المرسلین بل یمنه امدم چون بقبر شریف رسیدم  
 و سلام کردم از داخل آنرا از بشنیدم که میگویند و علیک السلام  
 و امثال آن از اولیاء الله و صلحای امت بسیار منقول است  
 و با اتفاق علماء در حیات آن حضرت بعد از وفات هیچ شبهه نیست و  
 همچنین سایر انبیاء علیه و علیهم الصلوة و السلام در قبور زنده  
 اند بحیاتی کاملتر و بحقیقت تر از حیات شهدا که در کلام مجید  
 از وی خبر داده است و کیف لا و آن حضرت سید الشهداء است  
 و اعمال شهدا در میزان اوست و فرموده است صلی الله علیه  
 و سلم \* علمی بعد وفاتی کعلی فی حیاتی \* رواه الحافظ  
 المنذری و ابن عدی فی الکامل و ابوبعلی بنقل ثقات از انس  
 بن مالک می آرد \* قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله  
 و سلم الا نبیاء احياء فی قبورهم یصلون \* و بیهقی از روایت  
 انس می آرد و تصحیح میکند که \* الا نبیاء لا یتراکون فی قبورهم  
 بعد اربعین لیلۃ و لکنهم یصلون بین یدی الله حتی ینفخ فی  
 الصور \* بیهقی گوید که اگر بصحت رسد که لفظ حدیث همین  
 است مراد آن بود که حیات ایشان در قبردایم و مستمر است  
 ولیکن در مدت اربعین مجال نماز و عبادت ظاهر نبود و نیز  
 بیهقی گوید که شواهد بزحیات انبیاء علیهم السلام از احادیث  
 صحیحه بسیار است بعد از آن ذکر کرده حدیث مرور آن  
 حضرت \* و سی علیه و علی نبینا الصلوة و السلام و وی نماز میکند

در قبر خود و احادیث دیگر که در ملاقات آن حضرت با نبیا  
و نماز گن اردن او با ایشان ورود یافته سلام الله علیهم اجمعین  
و نیز بیہقی میگوید کہ مبنای جمیع این احادیث بر آنست کہ  
حق سبحانہ و تعالیٰ بر انبیا علیہم السلام بعد از موت ایشان رد  
ارواح میکند و ایشان پیش خداوند مثل شہد او بعد از  
وہی صاعقہ نغضہ اوی بحکم نص \* فصعق من فی السموات ومن  
الارض \* با ایشان نیز راہ یابد و لازم نیاید کہ آن نیز بجمیع  
وجوہ و معنی موت بود الا در حق ذہاب است شعاردان حالت  
و بعضی گفته اند کہ شہد ابیحکم خداوند سبحانہ کہ فرمودہ است  
\* الا ماشاء اللہ \* ازین حکم مستثنی گشتہ اند و نیز میگوید کہ  
در حدیث صحیح آمد کہ افضل ایام یوم جمعہ است بسیار گویند  
درین روز بر من صلوة زیرا کہ صلوات شما معروض میگردد  
بر من گفتند یا رسول اللہ چگونه معروض گردد صلوات ما بر تو  
تو بوسیک شد باشی فرمود حق سبحانہ تعالیٰ حرام گردانیدہ است  
بر زمین کہ اجساد انبیا را بخورد و بزار بہر حال صحیح از روایت  
عبداللہ بن مسعود می آرد کہ فرمود مرخص ابراشنگان اند سیاح  
در زمین کہ میرسانند مر اعمال امت فرمود وفات من بہتر  
است مر شمار ازیرا کہ عرض کردہ میشود بر من اعمال شما  
انچہ بہتر است شکر میگویم مر خدا ابران و از انچہ بد می  
بینم اسغفار میکنم مر شمارا استاد منصور بغدادی میگوید  
محققین متکلمین بر آنند کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم

هی است بعد از وفات و مسروومی شود بطاعت امت  
 و اجساد انبیا علیهم السلام بوسید و نمی شود در قبر  
 بیهقی در کتاب الا اعتقاد می گوید که ارواح انبیا  
 علیهم السلام بعد از قبض با فرستاده می شود بر ایشان  
 و ایشان زند و اند پیش خدا مثل شهد ازیرا که پیغمبر خدا  
 صلی الله علیه و سلم با جماعتی از ایشان در شب معراج اجتماع  
 نمود و ملاقات کرد و صاحب تلخیص از شافعیه گفته است مالی  
 که از آن حضرت ماند و هم بر ملک او باقی است چنانچه در  
 حالت حیات بود انتقال نمیکنند بلکه ورثه چنانکه اموات را  
 باشد و سبیل او آنست که بر اهل و عیال او انفاق نمود و شود  
 بی اعتبار قسمتی که میراث را کنند و این را از خصایص آنحضرت  
 شمرده و امام الحرمین اینقول را تصحیح نموده و فرموده که  
 موافق سیرت صدیق است رضی الله عنه در آنچه آن حضرت  
 از اموال گذاشته بود انتهی و کلام این ایه اعلام اقتضای اثبات  
 در احکام دنیا نیز میکند پس حیات ایشان علیهم السلام اخص  
 و اکمل و اتم از حیات شهد اباشد چنانچه مذ هب مختار و  
 منصور است نه چنانچه ظاهر کلام بیهقی در بعضی مواضع ناظر  
 در آنست که آن حیات مثل حیات شهد است بلکه مراد وی تشبیه  
 است در اصل حیات و رفع استبعاد نه در جمیع خصوصیات  
 پس وارد نشود آنچه بعضی علماء درینجا نزاع کرده و گفته اند  
 که اگر مراد باین حیات آن حالت است که حق سبحانه تعالی

شهادت را اثبات نموده فرموده است ✽ بل احياء عند ربهم  
 يرزقون ✽ صحیح است و لیکن خلا فی نسبت در آنکه بر شهید ا  
 احکام موت از انقطاع ملک و غیره جاری است و گفته که عجب  
 است از امام که خود میگوید ✽ مات رسول الله عن کل انسوة  
 و مات و هو راض من العشرة ✽ نسبت موت بآن حضرت میکند  
 باز اثبات حیات چگونه باشد و ز رکشی میگوید که هیچ محل  
 تعجب نیست ✽ مات فاحیاء الله تعالی ✽ و شهر سنائی در غایه  
 المرام از امام الحرمین نقل میکند که گفت بیغمبر خدا صلی الله  
 علیه و سلم زنک است صلوة و سلامی که بروی میفرستند استماع  
 میکند و سبکی در شفاء السقام میگوید که موت نبی صلی الله  
 علیه و سلم مستمر نیست و حق سبحانه تعالی او را بعد از اذ اقت  
 موت و اجرایی سنت امانت احياء فرمود و انتقال ملک و مانند  
 آن مشروط بهوتی است که مستمر باشد و این حیات اعلی و اکمل  
 است از حیات شهید او ثبوت او و روح را بی اشتباه و وی اشکال  
 است و اما جسد با حارث ثابت ثابت شد که اجساد انبیا بوسیدک نمیگردد  
 و عود روح بجسد ثابت است مرجمیع اموات را هر چند شهید ا  
 نباشند و سخن در استقرار و استمرار روح در بدن بعیثیتی  
 که بوی زنک گردد چنانکه درد نیا بود یا خود بی روح زنک باشد  
 و آن در وقت و مشیت اوست جل جلاله زیرا که ملازمت  
 حیات روح را پیش اهل سنت و جماعت امری عامد نیست  
 نه عقلی و عدل تجویز آن میکند پس اگر قیام در لیل سمعی بروی

بصحت رسد و واجب گردد اعتقاد بدان و جماعه از علما قایل  
 بدان شده اند و اثبات آن کرده و نمازگزار درین موسی  
 علیه السلام در قبر چنانچه در حدیث آمده مثبت آنست چه  
 نمازگزار درین شبیه استل عای جسمی کند که محل حیات  
 باشد و همچنین صفاتی که مذکور شد اند در لیلۃ المعراج و  
 پانبیا علیهم السلام اسناد یافته همه صفات اجسام است انتهی  
 بد آنکه تمامه اهل سنت و جماعت اعتقاد دارند به ثبوت  
 ادوات مثل علم و سمع و سایر اموات را از احاد بشر خصوصا  
 انبیا و علیهم السلام و قطع میکنم بعود حیات مرهومیت را در  
 قبر چنانکه در احادیث وارد یافته است و وارد نشد که بعد  
 از عود حیات در قبر یابد بگر موت عود میکند بلکه نعیم قبر و  
 عن اب انرا تا قیام قیامت ادراک میکند و شک نیست که  
 ادراک مشروط بحیات است لیکن کفایت میکند حیات جزوی  
 از اجزای او به ثبوت آن نوع حیات که مستلزم بقای بنیه و  
 قیام جثه چنانچه در دنیا بود نباشد و لیکن ادله که بر حیات  
 انبیا دلالت دارند مقتضای آن حیات بدان است چنانچه  
 در دنیا بود با وجود اسنغنا از غل او با حصول قوت تعود در  
 عالم چه غل از اسباب عاد بیست که در دنیا احتیاج بدن  
 بدان مشروط است ولیکن حق سبحانه تعالی قادر است که  
 بی آن نیز زندگی دارد و احداث و ایجاد بعضی احوال و اعراض  
 در بدن کند که التفات و احتیاج بغل امر ترفع گردد چنانچه در



بعضی احوال بطریبان فرح و سرور یا عروض حزن و غم چندین مدت با گل و شرب احتیاج نیفتند بلکه بیا و نیاید با آنکه بعد از تسلیم سببیت غنای امر حیات و بقای بدن را در لیلی نیست هر حصر سببیت در وی شاید که سبحانه تعالی را اسباب دیگر بود مرا بقای بدن را **را** **ان** **ه** **م** **ل** **ی** **ک** **ل** **ش** **ئ** **ی** **ق** **د** **ی** **ر** \* **و** **ق** **د** **و** **ة** **ا** **ل** **م** **ل** **م** **ح** **ق** **ی** **ن** **ک** **ا** **ل** **د** **ب** **ن** **ب** **ن** **ا** **ل** **ه** **م** **ا** **م** **ر** **ح** **م** **ة** **ا** **ل** **ل** **ه** **ع** **ل** **ی** **ه** **د** **ر** **م** **س** **ا** **ی** **ر** **ه** **م** **ی** **ف** **ر** **م** **ا** **ی** **د** **ک** **ه** **ب** **ع** **د** **ا** **ز** **ا** **ت** **ف** **ا** **ق** **ا** **ه** **ا** **ه** **ل** **ح** **ق** **ب** **ر** **ا** **ع** **ا** **د** **ت** **ر** **و** **ح** **د** **ر** **ق** **ب** **ر** **م** **ق** **د** **ا** **ر** **ا** **ن** **چ** **ه** **ب** **و** **ی** **ا** **د** **ر** **ا** **ک** **ن** **ع** **ی** **م** **و** **ع** **ل** **ا** **ب** **ق** **ب** **ر** **ت** **و** **ا** **ن** **ک** **ر** **د** **ب** **س** **ی** **ا** **ر** **ی** **ا** **ز** **ا** **ش** **ا** **ع** **ر** **ه** **و** **ح** **ن** **ف** **ی** **ه** **د** **ر** **ا** **ع** **ا** **د** **ت** **ر** **و** **ح** **ت** **ر** **د** **د** **ک** **ر** **د** **ه** **ا** **ن** **د** **و** **ت** **ل** **ا** **ز** **م** **ر** **و** **ح** **و** **ح** **ی** **ا** **ت** **ر** **ا** **م** **ن** **ع** **ن** **م** **و** **د** **ه** **غ** **ی** **ر** **آ** **ن** **ک** **ه** **ج** **ر** **ب** **ا** **ن** **ع** **ا** **د** **ت** **ا** **ل** **ه** **ی** **ب** **ر** **ا** **ن** **و** **ق** **و** **ع** **ی** **ا** **ف** **ت** **ه** **ک** **ه** **ب** **ق** **ای** **ح** **ی** **ا** **ت** **ب** **ر** **و** **ح** **ب** **ا** **ش** **د** **و** **ا** **ل** **ا** **د** **ر** **ا** **ص** **ل** **ا** **م** **ک** **ا** **ن** **ح** **ی** **ا** **ت** **و** **ق** **د** **ر** **ت** **ب** **ر** **و** **ر** **د** **ک** **ا** **ر** **ع** **ز** **ش** **ا** **ن** **ه** **ب** **ر** **ا** **ح** **ی** **ا** **ی** **ا** **ج** **س** **ا** **د** **ب** **ی** **ق** **ی** **ا** **م** **ا** **ر** **و** **ا** **ح** **ب** **ا** **ن** **ه** **ا** **خ** **ل** **ا** **ف** **ی** **ن** **ی** **س** **ت** **پ** **س** **ب** **ع** **ض** **ی** **ع** **ل** **م** **ا** **و** **ح** **ن** **ف** **ی** **ه** **ق** **ا** **ی** **ل** **ش** **د** **ه** **ا** **ن** **د** **ب** **و** **ض** **ع** **ر** **و** **ح** **د** **ر** **ج** **س** **د** **و** **ب** **ع** **ض** **ی** **ب** **ا** **ت** **ص** **ا** **ل** **ر** **و** **ح** **ب** **ت** **ر** **ا** **ب** **و** **ت** **ا** **ل** **م** **ر** **و** **ح** **و** **ت** **ر** **ا** **ب** **م** **ع** **ا** **ن** **ن** **ه** **ی** \* **ف** **ص** **ل** \* **ب** **د** **ا** **ن** **ک** **ه** **د** **ر** **ح** **ی** **ا** **ت** **ا** **ن** **ب** **ی** **ا** **ع** **ل** **ی** **ه** **م** **ا** **ل** **س** **ل** **ا** **م** **و** **ث** **ب** **و** **ت** **ا** **ی** **ن** **ص** **ف** **ت** **م** **ر** **ا** **ی** **ش** **ا** **ن** **ر** **ا** **و** **ت** **و** **ت** **ب** **ا** **ث** **ا** **ر** **و** **ا** **ح** **ک** **ا** **م** **ا** **ن** **ه** **ی** **چ** **ک** **س** **ر** **ا** **ا** **ز** **ع** **ل** **م** **ا** **خ** **ل** **ا** **ف** **ی** **ن** **ی** **س** **ت** **غ** **ی** **ر** **آ** **ن** **ک** **ه** **د** **ر** **و** **ج** **و** **د** **ا** **ی** **ش** **ا** **ن** **د** **ر** **ق** **ب** **و** **ر** **و** **م** **ک** **ن** **و** **ا** **س** **ت** **ق** **ر** **ا** **ر** **د** **ر** **خ** **ص** **و** **ص** **ا** **ی** **ن** **م** **و** **ض** **ع** **ب** **ع** **ض** **ی** **ا** **ز** **ع** **ل** **م** **ا** **س** **خ** **ن** **ک** **ر** **د** **ه** **ش** **ی** **خ** **ا** **ع** **ل** **اء** **ا** **ل** **د** **ی** **ن** **ق** **و** **ن** **و** **ی** **ک** **ه** **ا** **ز** **م** **ح** **ق** **ق** **ی** **ن** **ع** **ل** **م** **ا** **ی** **ش** **ا** **ف** **ا** **ع** **ی** **ه** **ا** **م** **ت** **م** **ی** **گ** **و** **ب** **د** **ک** **ه** **ا** **ن** **چ** **ه** **ب** **ر** **م** **ن** **ظ** **ا** **ه** **ر** **م** **ی** **ش** **و** **د** **ا** **ی** **ن** **س** **ت** **ک** **ه** **ا** **ع** **ت** **ق** **ا** **ر** **ح** **ی** **ا** **ت** **ا** **ن** **ب** **ی** **ا** **ع** **ل** **ی** **ه** **م** **ا** **ل** **س** **ل** **ا** **م** **د** **ر** **ق** **ب** **و** **ر** **و** **ج** **و** **د** **ا** **ی** **ش** **ا** **ن** **د** **ر** **و** **ی**